

اعلامیه کمیته مرکزی

حزب کمونیست ایران

جمهوری اسلامی در مضحکه انتخاباتی

مفتضحانه شکست خورد، ملزومات

سرنگونی انقلابی آن را فراهم آوریم!

سرانجام مضحکه انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی و ششمین دوره مجلس خبرگان رهبری در حالیکه که ۱۹۰ هزار نیروی پلیس برای تامین امنیت آن در آماده باش بودند، برگزار گردید. در این سناریوی مهندسی شده که فریب و نیرنگ و دغلکاری و تهدید بر کلیه مراحل آن سایه افکنده بود رژیم جمهوری اسلامی بار دیگر بازنده شد و کارگران و توده هایی که برای به شکست کشاندن این مضحکه تدارک دیده بودند پیروز شدند. اگر چه تمام نهادهای حکومتی مذبحخانه تلاش می کنند وانمود کنند که میزان مشارکت مردم زیاد بوده است، اما گزارش های شاهدان عینی و نهادهای مستقل از حکومت نشان می دهد که گزینه "ما دیگه رای نمی دهیم"، "رای بی رای" و "نه، به جمهوری اسلامی" که قبلا در شعارهای معترضان انعکاس یافته و یا بر در و دیوار شهرهای مختلف ایران نقش بسته بود پیروز قطعی این نمایش انتخاباتی بوده است. در واقع اکثریت قاطع مردم ایران که از فقر و گرانی، تبعیض و نابرابری و کشتار و قتل های حکومتی به تنگ آمده اند در یک اقدام هماهنگ و شکوهمند سیاسی یک نه بزرگ به کلیت جمهوری اسلامی گفتند. با اینحال سران و رسانه های دروغ پرداز رژیم جمهوری اسلامی از حضور پرشور مردم در حوزه های رای گیری سخن می گویند و ستاد انتخابات رژیم در یک اقدام فریبکارانه به دلیل واهی آنچه آن را "آزحام مردم در شعب اخذ رای" خوانده چند بار زمان اخذ آرا را تمدید کرده و آخرین بار زمان را تا ساعت ۲۴ شب جمعه تمدید کرد. اما بر اساس همه گزارش های رسیده و فیلم هایی از حوزه های رای گیری تهیه و در شبکه های اجتماعی انتشار یافته اند تخمین زده می شود که مردم در تهران کمتر از بیست درصد و در شهرستانها نیز به طور میانگین کمتر از بیست و پنج



*
پلنوم ششم
کمیته مرکزی
حزب کمونیست ایران
بر گزار شد!

اسفند ۱۴۰۲

اطلاعیه کمیته مرکزی کومه له

در مورد شکست مضحکه انتخابات شکست حکومت اسلامی

سنگری برای پیشروی های بعدی!

اعلامیه کمیته مرکزی

حزب کمونیست ایران

به مناسبت ۸ مارس

روز جهانی زن



. ما ایجاد کنفدراسیون را که فراسر کارگران و از بالا شکل گرفته یک پروژه سیاسی در راستای تقویت گرایش رفرمیست - راست در جنبش کارگری می دانیم. از نظر ما کمبودها و انتقادات مطرح شده از جمله از طرف جداشدگان از کنفدراسیون از ماهیت رفرمیست - راست این کنفدراسیون ناشی می شود نه در اثر اشتباه و غفلت در گفته و عملکرد این یا آن عضو موسس آن.

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

درباره کنفدراسیون کار

جنگ افروزی "حوثی ها" در منطقه

با هدف سازش و معامله!

جهان امروز

نشریه سیاسی حزب کمونیست ایران

۱۵ روز یکبار منتشر می‌شود!

زیر نظر هئیت تحریریه

سر دبیر: هلمت احمدیان

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال کنید.

ha@cpiran.org

- * جهان امروز تنها مطالبی که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد را چاپ می‌کند.
- * استفاده از مطالب جهان امروز با ذکر ماخذ آزاد است.
- * مسئولیت مطالب با امضا "جهان امروز" تحریریه نشریه است.
- * جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می‌رسد.
- * مطالب جهان امروز با برنامه "ورد فارسی" تایپ می‌شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه آ ۴ با سایز ۱۲ است.

تماس با
کمیته تشکیلات داخلی کشور
حزب کمونیست ایران

hvfaalin@gmail.com

تلفن، فکس و پیامگیر

009647710286193
0046760854015
004799895674
00436601195907

تماس با کمیته تشکیلات
داخلی گروه (فکس)

takesh.komalah@gmail.com

سازمانیابی است. جنبش رهایی زنان می‌تواند در محلات فقیر نشین حاشیه شهرها نیز با سازماندهی زنان کارکن و زحمتکش این محلات در انجمن‌ها و شوراهای زنان بخشی دیگر از نیروی عظیم خود را به میدان آورد. جنبش دانشجویی در یک ده و نیم گذشته و به ویژه در یک سال و نیم اخیر ظرفیت‌های برجسته‌ای در زمینه سازمانیابی و همبستگی با دیگر جنبش‌های پیشرو اجتماعی از خود بروز داده است. جنبش انقلابی کردستان تاریخاً و اینبار با حضور پر رنگ خود در جنبش انقلابی سراسری به چشم و چراغ مردم ایران تبدیل شد و بار دیگر نشان داد که یک پای اصلی هر تحول سیاسی و انقلابی در ایران است. این جنبش پتانسیل این را دارد که نیروی محرکه خود را سازمانیافته‌تر به میدان آورد. این جویبارهای انقلاب باید به هم پیوندند. گسترش و تحکیم پیوند این جنبش‌های پیشرو اجتماعی می‌تواند زمینه ساز تدارک اعتصابات سیاسی توده‌ای در سراسر ایران باشد. اعتصابات که توأم با راهپیمایی‌های خیابانی و تجمع‌های اعتراضی قادر هستند دستگاه سیاسی، اداری و اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی را فلج کنند. اعتصابات سیاسی توده‌ای که اعتصابات کارگری ستون فقرات آن را تشکیل دهد، می‌تواند انسجام صفوف نیروهای مسلح و سپاه پاسداران را در هم کوبد، شکاف درون صفوف این نیروها را عمیق‌تر کرده و قدرت سرکوب آن را زمینگیر کند و زمینه‌های سازمانیابی قیام و سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی فراهم آورد.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

۱۲ اسفند ۱۴۰۲

۲ مارس ۲۰۲۴



درصد در این نمایش انتخاباتی مشارکت کرده‌اند. بنا به گزارش‌ها در استانهای کردستان و سیستان و بلوچستان بیش از هشتاد و پنج درصد از مردم در این "انتخابات" شرکت نکرده‌اند. مردم مبارز در این استانها با عدم شرکت خود نقش بزرگی در به شکست کشاندن نمایش انتخاباتی رژیم جمهوری اسلامی ایفا کردند.

شکست مفتضاحانه رژیم جمهوری اسلامی در این نمایش انتخاباتی کاملاً قابل پیش بینی بود. جنبش عظیمی که از مدتها قبل در جبهه کارگران و توده‌های عاصی از این اوضاع، در کوچه و خیابان و ادارات و محلات کار، در اتوبوس و مترو، شبکه‌های اجتماعی و غیره برای به شکست کشاندن این مضحکه انتخاباتی به راه افتاده بود ریشه در تجربه خیزش‌ها و جنبش‌های سیاسی توده‌ای و انقلابی و در تحول عظیمی دارد که در ذهنیت و آگاهی کارگران و توده‌های مردم پدید آمده است. خود سران رژیم اسلامی هم می‌دانند که جامعه ایران از آن دوره عبور کرده که آنان بتوانند با فریب و تهدید مردم را به پای صندوق‌های رأی بیاورند تا از این طریق مشروعیت انتخاباتی خودشان را به نمایش بگذارند. این نمایش‌های انتخاباتی عملاً به وسیله‌ای برای تصفیه حساب‌های جناحی و تجدید آرایش باندهای درون حکومتی تبدیل شده‌اند. در دوره انقلابی کنونی که جامعه آستان انقلاب است، کادر رهبری سپاه و هسته مرکزی اصول‌گرایان استراتژی بقای نظام اسلامی را از مسیر یکدست کردن بیشتر نهادهای حکومتی و ارتقاء ظرفیت سرکوب تعقیب می‌کنند.

در چنین شرایطی برای در هم شکستن استراتژی سرکوب عریان و برای سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی لازم است به طور نقشه‌مند ملزومات این سرنگونی را فراهم آورد. شکست رژیم اسلامی و پیروزی مردم در این مضحکه انتخاباتی می‌تواند به سنگری برای پیشروی جنبش انقلابی در زمینه سازمانیابی و شکل دادن به رهبری سیاسی تبدیل گردد. طبقه کارگر ایران به رغم همه موانعی که سر راه دارد می‌تواند سازمانیافته‌تر به میدان بیاید. جنبش اعتصابی کارگران بستری عینی برای ارتقای سازمانیابی طبقه کارگر است. وجود کمیته‌های کارخانه، کمیته‌های اعتصاب، برپایی مجامع عمومی و پا به عرصه گذاشتن طیف گسترده‌ای از فعالین و پیشروان جنبش کارگری با رویکرد شورایی ظرفیت‌های جنبش کارگری برای غلبه بر این موانع را نشان می‌دهد. حضور برجسته زنان در جنبش اعتراضی بازنشستگان و معلمان به عنوان بخشی از جنبش کارگری و در جنبش دانشجویی و نقش آنان در سازمان سراسری و رهبری این جنبش‌ها بیانگر ظرفیت‌های بالای جنبش زنان در امر

پلنوم ششم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران برگزار شد!

اسفند ۱۴۰۲



جنبش همبستگی و پیوستن کارگران و مردم مبارز ایران به این جنبش جهانی و آزادیخواهانه تأکید کرد. کارگران و فرودستان در فلسطین، اسرائیل و ایران و یا هر جای دیگری که هستند، قربانی نظام سرمایه داری هستند. کارگران و مردم آزادیخواه ایران با سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی می توانند یکی از مهمترین پایگاه های اسلامی سیاسی و تروریسم در خاورمیانه و جهان را نابود کرده و زمینه را برای رشد و تقویت جنبش های رادیکال و رهایی بخش در فلسطین و کل منطقه فراهم آورند. کارگران و مردم ستمدیده فلسطین برای عبور از این اوضاع فاجعه بار راهی جز سازماندهی مبارزات توده ای و اتحاد و همبستگی با کارگران و نیروهای آزادیخواه و جریان های انقلابی در اسرائیل و تحکیم همبستگی با نیروهای ترقی خواه در سطح جهان، جهت مبارزه بر علیه رژیم نژادپرست اسرائیل و طرد جریان های مرتجع اسلامی پیش رو ندارند. موج اخیر نسل کشی دولت اسرائیل علیه مردم فلسطین و ابعاد فاجعه بار آن در دوره جدیدی به حرکت درآمده است. در دوره ای که نقش رهبری آمریکا بر جهان و به تبع آن بر منطقه خاورمیانه رو به افول گذاشته و جهان چند قطبی هنوز تثبیت نشده است. واقعیت این است که در طی دو، سه دهه گذشته اوضاع جهان و مناسبات قدرتهای سرمایه داری در سطح منطقه خاورمیانه و جهان بشدت تغییر کرده است. بعد از پایان جنگ سرد و فروپاشی کشورهای بلوک شرق که همراه بود با افول قدرت اقتصادی آمریکا در رأس بلوک پیروز، آمریکا که نمی توانست بیش از این با تکیه برتری قدرت اقتصادی اش هژمونی خود را بر جهان حفظ کند، تلاش کرد با تکیه بر قدر قدرتی نظامی و میلیتاریسم رهبری خود را بر جهان بعد از جنگ سرد تأمین کند.

جنگ خلیج، لشکر

روز اول جنگ بدون قید و شرط از جنایات دولت اسرائیل حمایت کرده اند مسئول و شریک این جنایات علیه بشریت هستند. مردم فلسطین در نوار غزه با ایستادگی در زیر آتش بمب بارانهای ممتد و ویرانگری ها، با قیمت از دست دادن دهها هزار تن از عزیزانشان و تحمل شرایطی فاجعه بار، ماهیت واقعی دولت دست راستی اسرائیل و ماهیت دروغین و ریاکارانه دمکراسی های بورژوازی در آمریکا و اروپا در دفاع از حقوق بشر را بیش از هر زمانی رسوا و برملا کرده و یک شکست اخلاقی و سیاسی بزرگ را به آنها تحمیل کرده اند. امروز در حالی که دولت های آمریکا، آلمان، بریتانیا و ... با حمایت از سیاست های نژادپرستانه نتانیاهو دست او را در جنایت جنگی علیه مردم غزه باز گذاشته اند، اما در جبهه مقابل یک جنبش عظیم توده ای در همبستگی و در دفاع از آزادی فلسطین با خواست پایان فوری جنگ، قطع فوری بمباران ها و ارسال فوری کمک های انسانی به نوارغزه به میدان آمده است. توده های معترض بی صبرانه خواهان پایان دادن به جنایات جنگی دولت اشغالگر اسرائیل هستند. این جنبش همبستگی جهانی تغییر توازن قوا به نفع مبارزه حق طلبانه و آزادیبخش کارگران و ملت ستمدیده فلسطین و دور زدن برتری قدرت نظامی دولت اسرائیل را در چشم انداز قرار داده است. نشست وسیع کمیته مرکزی حزب در این رابطه بر اهمیت سیاسی تقویت این

پلنوم ششم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران منتخب کنگره سیزدهم در روزهای شنبه و یکشنبه ۵ و ۶ اسفند ۱۴۰۲ برابر با ۲۴ و ۲۵ ماه فوریه ۲۰۲۴ برگزار شد. نشست وسیع اعضای کمیته مرکزی با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت برای گرامیداشت یاد جانباختگان صفوف حزب کمونیست ایران و کومه له و کلیه جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم و جنبش انقلابی ژینا کار خود را آغاز کرد. در این پلنوم اعضای کمیته مرکزی کومه له و کمیته تشکیلات خارج از کشور حزب نیز به عنوان ناظر شرکت داشتند. گزارش سیاسی کمیته اجرائی به نشست کمیته مرکزی، گزارش فعالیت کمیته ها و ارگانهای مختلف تشکیلاتی، تدارک برگزاری کنگره چهاردهم حزب و آرایش و تقسیم کار درون کمیته مرکزی حزب از دستور جلسات این پلنوم بودند. در گزارش سیاسی کمیته اجرائی و مباحث پیرامون آن در پلنوم بر سیاست ها و جهت گیری های زیر تأکید شد.

۱

پلنوم ششم کمیته مرکزی حزب در شرایطی برگزار می شود که بیش از چهار ماه از نسل کشی و جنایت جنگی دولت اسرائیل علیه مردم فلسطین در نوار غزه می گذرد. طی این مدت دولت اشغالگر اسرائیل با توجهی مقابله با خطر تروریسم سازمان حماس، از طریق موشک باران و بمب بارانها و گسیل نیروهای ارتش بدون وقفه به کشتار مردم فلسطین در نواز غزه و ویرانگری ادامه داده است. در نتیجه این کشتار و ویرانگری تاکنون بیش از سی هزار نفر از مردم این باریکه جان خود را از دست داده، ده ها هزار نفر زخمی شده و بیش از شصت درصد از زیرساخت ها و خانه های مسکونی ویران و یا آسیب دیده اند. دولت آمریکا وهم پیمانان اروپائی آن در ناتو نیز که از همان



کشی به افغانستان و عراق، مداخله گری نظامی در لیبی و سوریه عرصه های مختلف این قدرت نمایی نظامی بودند. آمریکا در تمام این جنگ ها شکست خورد. در افغانستان اگر چه توانست حکومت طالبان را ساقط کند، اما نتوانست امنیت و نظم مورد نظر خودش را تأمین کند و بعد از دو دهه دوباره قدرت سیاسی را به همراه یک ارتش مجهز به سلاح

های امریکایی تحویل طالبان داد. در عراق رژیم صدام حسین را ساقط کرد، اما نتوانست امنیت و آب و برق مردم را تأمین نماید و این کشور را برای چند سال در باتلاق جنگ داخلی فرو برد. اکنون با خروج بخش عمده نیروی های نظامی آمریکا از عراق نفوذ سیاسی آن بر دولت اسلامی عراق کاهش یافته و آن قواره سیاسی فدرال که بر اساس مذهب و ملیت شکل داده بود، درهم ریخته است. در بحران سوریه به روسیه باخت، در لیبی قذافی را سرنگون کردند و بعد از یک دوره طولانی جنگ داخلی و از بین بردن شیرازه این جامعه هنوز هم نتوانسته اند ثبات سیاسی مورد نظر خودشان را در این کشور تأمین کنند. آمریکا با این شکست های پی در پی مجبور شد پروژه خاورمیانه بزرگ را بایگانی کند. علاوه بر این شکست ها خیزش های توده ای در خاورمیانه از جمله در مصر و تونس و ... نیز نشان دادند که دولت آمریکا نمی تواند با تکیه بر قدرقدرتی نظامی، هیچ کدام از حکومت ها و دیکتاتورهای متحد خود در این منطقه را از خطر سرنگونی نجات دهد. با سقوط حکومت بن علی در تونس و حسنی مبارک در مصر حکومت های متحد آمریکا در منطقه خاورمیانه برای تضمین بقای خود استراتژی دیگری در پیش گرفتند. این مجموعه تحولات نیز بیش از پیش نقش هژمونیک آمریکا در خاورمیانه را به زیر سؤال برد. با تضعیف موقعیت آمریکا در خاورمیانه قدرت های منطقه ای مانند ترکیه، عربستان سعودی و کشورهای شورای همکاری های خلیج فارس تلاش کرده اند از دوره کنونی و رقابت هایی که بین آمریکا و متحدین اروپایی آن، از یک سو و قدرت هایی مانند چین و روسیه از سوی دیگر در جریان است بیشترین بهره را ببرند. با کاهش نقش هژمونیک ایالات متحده در منطقه خاورمیانه، متحدان سنتی ایالات متحده در مقایسه با گذشته استقلال بیشتری از خود نشان می دهند و شاهد شکل گیری پیوندهای استراتژیک اقتصادی بین آنها با چین و حتی زمینه های شکلگیری پیمان های نظامی و مانند آن بوده ایم. در این دوره گذار و با توجه به افول



قدرت رهبری آمریکا در جهان و منطقه، دولت نژاد پرست اسرائیل تنها متحد استراتژیک و قابل اتکای ایالات متحده در منطقه خاورمیانه با به راه انداختن این موج تازه از نسل کشی در غزه ابتکار عمل را در دست گرفته و به رغم آنکه آمریکا و متحدین اروپایی آن در ناتو تداوم و گسترش این جنگ در خاورمیانه را در راستای منافع خود نمی دانند، اما عملاً از سیاست های نژادپرستانه دولت دست راستی نتانیاهو پیروی کرده و در این نسل کشی آشکار شریک هستند. بورژوازی حاکم در آلمان با قرار گرفتن در کنار نتانیاهو ظرفیت های فاشیستی خود را در قرن بیست و یکم هم نشان داد. در حالی که جنایات جنگی علیه مردم فلسطین و حمام خونی که در غزه به راه افتاده است افکار عمومی بشریت آزادخواه و برابری طلب در سراسر جهان را علیه دولت اشغالگر و نژادپرست اسرائیل برانگیخته است، حکومت های ارتجاعی منطقه مانند اردن، مصر، عربستان، قطر و عراق و رژیم جمهوری اسلامی ریاکارانه سنگ دفاع از مردم فلسطین را به سینه می زنند. در این میان اردوغان فاشیست و دولت ترکیه که در طی همین مدت و در سایه سکوت رسانه ها و با چراغ سبز آمریکا چندین بار زیرساخت های اقتصادی و خدماتی در کردستان سوریه را بمباران کرده و صدها نفر از مردم کردستان را کشته، زخمی و آواره کرده است، برای مردم فلسطین اشک تمساح می ریزد. دولت اردوغان در حالی که در همسویی با دولت آمریکا به جنایت جنگی روی آورده و حق زندگی و حاکمیت مردم در کردستان سوریه را مورد حمله قرار داده است، درس اخلاق "جنگ قانونمند" را به نتانیاهو دیکته می کند. این حکومت های سرمایه داری که بر دریایی از ثروت و سامان این جوامع چنگ انداخته و مسبب فقر و محرومیت و بی حقوقی کارگران و فرودستان هستند، طی این سالها هیچ فرصتی را برای عادی سازی مناسبات با دولت اسرائیل و بند و بست با آمریکا در راستای منافع خود و علیه منافع مردم ستمدیده فلسطین از دست نداده اند. با گذشت بیش از دو سال از حمله ارتش روسیه به اوکراین در برابر صف آرای ناتو،

هژمونی آمریکا در اروپا هم آشکارا به چالش کشیده شده است. جنگ امپریالیستی در اوکراین متعاقب بحران های ناشی از همه گیری کرونا فارغ از تأثیرات آن بر زندگی و معیشت صدها میلیون تن از مردم جهان، فرایند شکل گیری و تثبیت قطب های جدید را شتاب بیشتری بخشیده است. اکنون در آمریکای لاتین، در آفریقا، در شرق آسیا و اروپا همه جا نقش رهبری و هژمونیک آمریکا زیر سؤال رفته است. این اوضاع که محصول بحران ساختاری نظام سرمایه داری است در همه این کانون ها رقابت ژئوپلیتیک را دامن زده است. بر خلاف تصور ایالات متحده آمریکا و دیگر قدرتهای غربی که همچنان خود را در مرکز تحولات جهان می بینند و بر این باورند که کشورهای جنوب باید خود را با سیاست های راهبردی آنان همسو سازند، جهان مدهاست که به سوی ایجاد قطب های جدیدی حرکت کرده و کشورهای جنوب دیگر خود را در قامت کلنی های جهان غرب نمی بینند. گروه بریکس، پیمان شانگهای، اتحادیه کشورهای آفریقا و اتحادیه کشورهای آمریکای جنوبی و کارائیب بخشی از این قطب های جدید هستند که وارد بازی در صحنه معادلات جهانی شده اند. در حوزه اقتصادی به روشنی میتوان دید که این قطب های جدید به رغم موانع بزرگی که سر راه دارند جهت مقابله با هژمونی طلبی آمریکا به سوی ایجاد مکانیزم های جایگزین حرکت میکنند. چین در رأس اعضای گروه بریکس در تلاش برای ایفای نقش تعیین کننده تر در اقتصاد و روابط بین المللی می باشد. آنچه روشن است جهان دوره گذار پر تلاطم و حساسی را از سر می گذراند. مناسبات قدرتهای جهانی و منطقه ای و نظم ژئوپلیتیک جهان در حال تغییر است، ایالات متحده آمریکا نقش هژمونیک خود را از دست داده است. جهان بر متن بحران ساختاری سرمایه داری و کشمکش های منطقه ای و بین المللی به سوی تثبیت جهان چند قطبی در حرکت است. تثبیت جهان چند قطبی با برتری نسبی چین سرمایه داری چه مختصاتی خواهد داشت؟ هنوز معلوم نیست. آیا جنبش سوسیالیستی و انترناسیونالیستی طبقه کارگر می تواند به یک قطب نیرومند سیاسی تبدیل گردد؟ باید برای آن تلاش کرد. ایجاد احزاب کمونیستی انقلابی که بتوانند مبارزات جاری کارگران را با استراتژی انقلاب اجتماعی تلفیق کنند از پیش شرطهای پیشروی جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر در این مسیر است.



۲

این بحران ها و اوضاع پر تلاطم جهان دو پدیده اجتماعی و گرایش متضاد، گسترش مبارزات کارگری و رشد جریان های راست افراطی را همزمان و به موازات هم رشد داده است. در یک سال اخیر طبقه کارگر در ایالات متحده آمریکا بعد از چندین دهه رکود و انجماد دستمزدها، دست به تعرض زد. بیش از نیم میلیون نفر از کارگران در رشته های مختلف برای افزایش دستمزدها دست به اعتصاب زدند.



کارگران خودرو در سه شرکت بزرگ فورد، جنرال موتورز و استلانتیس نقش برجسته ای در سازماندهی این اعتصابات داشتند. کارگران لوکوموتیوسازی، پرستاران و کارکنان بخش مراقبت های بهداشتی، کارگران دیگر بخش های تولیدی، معلمان و روزنامه نگاران بخشی از این جنبش اعتراضی برای افزایش دستمزدها و دیگر مزایا بودند. این اعتصابات و اعتراضات با مبارزه کارگران علیه بورکراتیسم درون اتحادیه های کارگری توأم بوده است. در کشورهای اروپایی نیز در حالی که دولت ها و صاحبان سرمایه بعد از بحران کرونا و در پی جنگ امپریالیستی در اوکراین به تشدید استثمار کارگران روی آوردند، کارگران هم برای بهبود شرایط زندگی و کار و علیه تخریب گسترده مشاغل و کاهش حقوق بازنشستگی و مواردی از این قبیل دست به اعتراض زدند. در فرانسه طبقه کارگر با همراه کردن فرودستان جامعه صدها اعتراض و اعتصاب علیه افزایش سن بازنشستگی سازمان داد. کارگران راه آهن، برق، بهداشت، آموزش، و دیگر بخش های فرانسه نقش برجسته ای در این جنبش اعتراضی و اعتصابی داشتند. کارگران در بریتانیا برای جبران کاهش دستمزدهای واقعی دست به اعتصاب زدند و به خیابان ها آمدند. کارگران راه آهن، پرستاران، امدادگران، آتش نشانان، معلمان، یک پای اصلی این اعتصابات و اعتراضات بودند.

در آلمان نیز در چند مورد ده ها هزار کارگر در اقدامی مشترک در فرودگاه ها و بخش حمل و نقل هوایی، بنادر، راه آهن، اتوبوس ها، کشتی ها، و خطوط مترو در سراسر آلمان دست به اعتصاب زدند و خدمات حمل و نقل آلمان را متوقف کردند. کارگران خواهان افزایش دستمزدها و کاهش هزینه های نظامی فزاینده کشور و کمک به کارگران از سوی دولت را از محل این منابع شدند. در یونان ده ها هزار نفر از کارگران راه آهن، بندر، کارگران فلز و کارگران کشتی، اتحادیه های کارمندان دولت با همراهی دانش آموزان در اعتراض به زیرساخت های نایمن ریلی و کمبود کارکنان دست به اعتصاب و اعتراض زدند. در قاره آفریقا هم کشورهای آفریقای جنوبی، نیجریه و سنگال، غنا و ... صحنه گسترش اعتراضات کارگری برای بهبود شرایط زندگی و علیه فشار دولت ها یا استثمار شدید شرکت های چند ملیتی بودند. در آمریکای لاتین کارگران معادن طلا و صنعت فولاد و توده های به جان آمده از سیاست های دولت دست راستی در آرژانتین این کشور را به صحنه اعتصابات

و اعتراضات ادامه دارد تبدیل کردند. همچنین کارگران در مکزیک، پاناما، برزیل، شیلی و اکوادور در اعتراض به افزایش هزینه های زندگی دست به اعتراض زده اند. کارگران در هندوستان، ژاپن و بنگلادش هم از جنبش اعتراضی و اعتصابی هم طبقه ای های خود برای بهبود زندگی که به پهنای جهان جریان داشته عقب نمانده اند. این موج جنبش اعتصابی و اعتراضی گسترده کارگران در سراسر جهان نشان می دهد که خشم و اعتراض علیه سیاست های ضدکارگری دولت ها و صاحبان سرمایه و صنایع و کمپانی های چند ملیتی در حال افزایش است. کارگران از تعمیق دره بین فقر و ثروت و از این همه فقر و نابرابری عاصی هستند و خواهان تخصیص منابع برای آموزش، بهداشت، و رفاه انسان ها هستند. بر بستر تداوم بحران سرمایه داری و اوضاع متحول کنونی در جهان، جریان های راست افراطی به سبب خشم و اعتراض انباشت شده ناشی از برنامه های ریاضت اقتصادی و نئولیبرالی که پیامد اقتصادی بحران کرونا و جنگ امپریالیستی در اوکراین و بحران مالی جهانی بر ابعاد و شدت آن ها افزوده است نیز رشد کرده اند. این جریان های راست افراطی تا حدودی موفق شده اند خشم و اعتراض برانگیخته شده بخش هایی از جامعه علیه وضع موجود را به بیراهه برده و علیه جناح

چپ جامعه و مهاجران و پناهجویان معطوف کنند. ترامپ با سیاست های نژادپرستانه و پوپولیستی خود تا حدی توانسته اعتراض بخش هایی از جامعه علیه وضع موجود را علیه مهاجران کانالیزه کند. همچنین جریان هایی مانند "برادران در ایتالیا"، "بدیل برای آلمان"، "جناح دست راستی در حزب محافظه کار بریتانیا"، مارین لوپن در فرانسه، "حزب آزادی در اتریش"، "دموکرات های سوئدی"، "حزب بهاراتیا جاناتا در هند"، "حزب آزادی آرژانتین" و ... از جمله جریان های راست افراطی و فاشیستی هستند که اگر چه هیچ کدام بدیل اقتصادی منسجمی در برابر بن بست و فروپاشی الگوی نئولیبرالیسم ندارند، اما در غیاب یک بدیل قدرتمند رادیکال و سوسیالیستی از خشم و اعتراض بخشی از جامعه از پیامدهای بحران سرمایه داری تغذیه می کنند.

۳

در مورد اوضاع سیاسی ایران پلنوم کمیته مرکزی حزب تأکید کرد که جامعه همچنان در یک دوره انقلابی به سر می برد و نگاهی به روند عینی اوضاع نشان می دهد که همه پیش شرط های اقتصادی و اجتماعی که لازمه یک دوره انقلابی است نه تنها وجود دارند بلکه تشدید نیز شده اند. تعمیق و همه جانبه بودن بحران اقتصادی، افزایش سرسام آور قیمت کالاهای مورد مصرف روزانه کارگران و اقشار فرودست جامعه، گسترش بیکاری که به یک فاجعه اجتماعی تبدیل شده است، خط فقر ۳۰ میلیون تومانی در تهران و ۲۵ میلیون تومانی در شهرستان ها، دستمزدهای سه مرتبه زیر خط فقر، عمیق تر شدن شکاف بین فقر و ثروت بیانگر تشدید بحران اقتصادی و پیامدهای ویرانگر آن بر زندگی و معیشت خانواده های کارگری و فرودستان جامعه است. از سوی دیگر تشدید فشار و تعرض سازمان یافته به زنان در عرصه های مختلف حیات اجتماعی، افزایش جمعیت کودکانی که به علت فقر از تحصیل بازمانده و به خیل کودکان کار و خیابان پیوسته اند، گسترش اعتیاد و انواع آسیب های اجتماعی، ابعاد بی سابقه بحران های زیست محیطی که زندگی توده های مردم و خصوصاً تهیدستان روستا را تحت تأثیر قرار داده است. در حالی که روند این اوضاع گسترش اعتراضات و اعتصابات کارگری و جنبش های اعتراضی را به امری اجتناب ناپذیر تبدیل کرده است، رژیم جمهوری اسلامی حاضر نیست رفرم، اصلاح و یا بهبودی در زندگی کارگران و فرودستان این جامعه ایجاد کند. سران حکومت اسلامی در این دوره انقلابی شدت



صنعتی، حجم عظیم نقدینگی بحران زا، بحران تحقق ارزش، انتقال سرمایه‌ها به روند سرمایه‌ی مالی و سوداگری و رکود سرمایه گذاری در حوزه تولیدات کشاورزی و مواد غذایی به دلیل سیاست های ویرانگر زیست محیطی و ... بروز داده است، رژیم جمهوری اسلامی و طبقه سرمایه دار حاکم را به شدت در تنگنا قرار داده است. سران رژیم برای مقابله با پیامد تشدید بحران اقتصادی از یک سو با کتمان و کم اهمیت جلوه دادن آن و از سوی دیگر با افزایش صادرات نفت و بند و بست های پشت پرده با غرب برای انتقال دلارهای حاصل از صادرات نفت برای جبران کسری بودجه و تأمین بودجه نیروهای سرکوبگر و سرپا نگاه داشتن دستگاه عریض و طویل اداری دولت روی آورده اند. تشدید این بحران اقتصادی و ادامه تحریم ها که به سهم خود گسترش اعتصابات و اعتراضات کارگری و توده ای را اجتناب ناپذیر کرده، ناهمخوانی ضعف بنیه اقتصادی با سیاست های مداخله جویانه و ماجراجویی های نظامی رژیم اسلامی در سطح منطقه، سر باز کردن اختلافات و کشمکش های جدید در میان باندها و جناحهای مختلف حاکم که شکست مفتضحانه و بی سابقه مضحکه انتخاباتی ۱۱ اسفند آن را تشدید خواهد کرد، تأثیرات این مجموعه بر صفوف نیروهای مسلح و سرکوب در حالی که دستگاه ایدئولوژیک و روحانیت در توجیه این اوضاع به بن بست رسیده است، موقعیت رژیم اسلامی را بیش از پیش بحرانی و ضعیف خواهد کرد. موشک پرانی نیروهای نیابتی رژیم در عراق و سوریه علیه پایگاه های آمریکا در منطقه و جنگ افروزی حوثی های یمن بیش از آنکه نشانه قدرت رژیم اسلامی باشد تلاش آن برای پنهان کردن نقطه ضعف هایش در برابر قدرقدرتی نظامی دولت اسرائیل را به نمایش می گذارد. دولت روسیه با آگاهی به این نقطه ضعف ها و سردرگمی استراتژیک رژیم جمهوری اسلامی اهرم موازنه سازی در تعیین سیاست خارجی را از دست آن خارج کرده و رژیم جمهوری اسلامی در رقابت های منطقه ای موقعیت ضعیف تری پیدا کرده است. با همه اینها رژیم اسلامی هنوز اعتماد به نفس خودش را از دست نداده و با تکیه یک جانبه به تشدید سرکوب و بگیر و ببند و اعدام برای بقا خود تلاش می کند. اما تکیه یکجانبه بر گزینه سرکوب و اعدام موقعیت رژیم را شکننده کرده است. آن روز که حربه سرکوب کارائی خود را به کلی از دست بدهد، سران حکومتی از حفظ سیستم ناتوان می مانند و روند متلاشی شدن رژیم آغاز می شود.



شکست حکومت اسلامی در نمایش

خیابانی که بارها با اعتصابات عمومی همسو و توأم شدند، همراه و همبسته شود به دلیل همین موانعی است که پیش رو دارد. این شرایط حاد اقتصادی و اجتماعی و تغییراتی که در موقعیت اقتصادی طبقه متوسط و اقشار مرفه خرده بورژوازی روی داده اگر چه بخش های وسیعی از این اقشار را به موقعیت لایه های پایین جامعه سوق داده است و این باعث شده که این طیف گسترده اطمینان خود را به طبقه و ساختار سیاسی حاکم از دست بدهند و در "نه گفتن" به جمهوری اسلامی تردیدها را کنار بگذارند، اما این تغییر در ذهنیت خرده



بورژوازی هنوز باعث نشده که از حفظ نظم موجود بکلی دل بکنند و کم کم به تغییر رادیکال امیدوار شوند و نه تنها امیدوار شوند، بلکه در ابعاد توده ای برای ایجاد این تغییر به میدان بیایند. از این رو این اقشار گسترده در جریان جنبش انقلابی ژینا اگر چه قلبشان با قلب زنان و مردان آزادخواه و معترض در خیابان می تپید، و در مواردی با پیوستن به اعتصابات عمومی همبستگی خود را با اعتراضات خیابانی نشان می دادند، اما هنوز آمادگی ذهنی این را پیدا نکرده اند که در ابعاد توده ای به اعتراضات خیابانی بیوندند و برای به زیر کشیدن رژیم جمهوری اسلامی آستین ها را بالا بزنند. تردیدی نیست که توانایی رژیم در سرکوب خونین اعتراضات و بگیر و ببندهای گسترده، موج پی در پی اعدام ها از موانع اصلی سر راه دل کندن خرده بورژوازی از وضع موجود و توده ای شدن این جنبش انقلابی بوده است. اما در همانحال نگرانی از تکرار تجربه شکست انقلاب ۵۷، نگرانی از تکرار تجربه خیزش های توده ای در خاورمیانه، نگرانی از خطر جنگ داخلی و سوریه ای شدن ایران که اصلاح طلبان حکومتی و بخشی از نیروهای اپوزیسیون بورژوازی آن را دامن می زنند و هم چنین نبود یک آلترناتیو رهایی بخش نیرومند در صحنه سیاسی جامعه که توده های مردم بتوانند به آن امید ببندند از دیگر موانع ذهنی سر راه به میدان آمدن این اقشار در ابعاد توده ای است. تشدید بحران اقتصادی که خود را در عدم توانایی در بازتولید گسترده و رکود تولید

می ترسند از اینکه کوچک ترین عقب نشینی از سیاست های تا کنونی، به روحیه تعرضی در جنبش کارگری و دیگر جنبش های اجتماعی و اعتراضی دامن بزند و به از هم گسیختگی کامل نظم سیاسی حاکم بیانجامد. پروسه تدارک آنان برای برگزاری مضحکه انتخاباتی که با حيله و نیرنگ و تهدید توأم است، رد صلاحیت شمار زیادی از نمایندگان همین مجلس، رد صلاحیت مهره هایی مانند حسن روحانی و ... نشان می دهد، که سران این رژیم باز هم در فکر فشرده کردن و تنگ تر کردن حلقه نیروهای خودی و همدست کردن ارگانهای حاکمیت و سرکوب هستند. روند عینی این اوضاع در همانحال که گسترش اعتصابات و اعتراضات کارگری و جنبش های اعتراضی را اجتناب ناپذیر کرده است، مختصات این دوره انقلابی را هم به تصویر می کشد. اما روشن است که مختصات دوره انقلابی فقط از نقطه نظر جامعه شناختی و فقط با پیش شرط های اقتصادی و اجتماعی تعریف نمی گردد، بلکه مجموعه ای مؤلفه های سیاسی در تکوین دوره انقلابی دخیل هستند. یعنی آن شروط اقتصادی و اجتماعی که لازمه یک دوره انقلابی است باید بازتاب خود را در موقعیت، آگاهی و ذهنیت طبقات مختلف جامعه نشان دهد. باید بدانیم که این شرایط و پیش زمینه های اقتصادی و اجتماعی چه تأثیراتی بر آگاهی طبقه کارگر و ذهنیت طبقه متوسط یا اقشار خرده بورژوازی و موقعیت طبقه سرمایه دار حاکم بجای گذاشته است. اکنون طبقه کارگر ایران بسیار بهتر از هر کارشناس اقتصادی می داند که در چه موقعیت حاد اقتصادی کار و مبارزات خود را پیش می برد. اما طبقه کارگر تنها زمانی می تواند به وظیفه انقلابی خود در این دوره عمل کند که راه برون رفت از این وضعیت فاجعه بار اقتصادی را، نه در حفظ مناسبات سیاسی و طبقاتی موجود، بلکه از مسیر یک قیام انقلابی علیه نظم موجود، جستجو کند. این یکی از پیش شرط های پیشروی جنبش انقلابی جاری است. این تحول در آگاهی و ذهنیت طبقه کارگر و در سازمانیابی این طبقه باید خود را نشان دهد. اما در این زمینه طبقه کارگر ایران با موانع بزرگی روبرو است. سرکوب شدید، فقر ساختاری که هزینه سرکوب را برای طبقه کارگر بسیار بالا برده است و گسترش شرکت های پیمانکاری و قراردادهای موقت و سفید امضا و ناامنی شغلی از بزرگترین موانع سر راه سازمانیابی طبقه کارگر هستند. اگر در جریان جنبش انقلابی ژینا، جنبش کارگری نتوانست با اعتصابات سراسری در مراکز و مؤسسات صنعتی و کلیدی با اعتراضات

انتخاباتی می تواند این روند را تسریع کند و به سنگری برای پیشروی جنبش های اعتراضی در جامعه تبدیل گردد. در دوره انقلابی کنونی همه مؤلفه های سیاسی فوق که به آنها اشاره شد به موازات هم در حال حرکت هستند، اما روشن است که این مؤلفه ها همزمان با هم رشد نمی کنند. همین ناهمزمانی در رشد این مؤلفه های سیاسی که دوره انقلابی کنونی را تبیین می کنند، در واقع افت و خیزهای این دوره را هم توضیح می دهد. یک ارزیابی واقع بینانه از اوضاع و شناخت موانع سر راه پیشروی جنبش انقلابی و سوسیالیستی و آن ظرفیت ها و نیروهای مادی که برای غلبه بر این موانع می توانیم بر آنها تکیه کنیم تا حدودی می تواند به قطب نمای حرکت ما تبدیل گردد. در شرایط کنونی برای تضمین پیشروی جنبش انقلابی گستراندن استراتژی انقلابی و تلاش برای شکل دادن به یک آلترناتیو و بدیل کارگری و سوسیالیستی در اولویت فعالیت های ما قرار دارد.

۴

باید در برابر مناسبات سرمایه داری حاکم و حکومت سرمایه اسلامی راه حل و بدیل کارگری و سوسیالیستی را قرار داد، آن را تبلیغ و ترویج و به یک گفتمان نیرومند در درون جامعه تبدیل کرد. لازم است نشان داد سوسیالیسم تنها بدیلی است که می تواند افق رهایی را به روی کارگران و توده های مردم محروم ایران بگشاید و به تمام معضلات اقتصادی و مصائب اجتماعی که جامعه را در چنگال خود می فشارد پایان دهد. باید بر خلاف تصویری که ایدئولوگ های طبقات بالا رواج داده اند، نشان داد که بدیل سوسیالیستی بر پایه های عینی و عملی واقع بینانه استوار است. باید نشان داد که نیروی اجتماعی متحقق کننده سوسیالیسم، یعنی طبقه کارگر که با اعتصابات و اعتراضات خود در صحنه جامعه حضور دارد در روند تکامل مبارزات و سازمانیابی صفوف خود اکثریت محرومان و ستمدیدگان و آزادیخواهان جامعه و جنبش های پیشرو اجتماعی را با خود همراه می کند، در احزاب و سازمانهای سیاسی و کمونیستی خود متشکل می شود و آمادگی انجام این رسالت تاریخی را پیدا می کند. آلترناتیو سوسیالیستی در مسیر پیشروی خود، در گام نخست رژیم جمهوری اسلامی را سرنگون می کند. ماشین دولتی موجود را همراه با کلیه ی ارگانهای سرکوب آن درهم می شکند و حکومت شوراهای کارگران و زحمتکشان و فرودستان را برقرار می سازد. حکومت شورائی وسیع ترین آزادی

های بدون قید و شرط سیاسی را تأمین و تضمین می نماید. با اجتماعی کردن مالکیت بر وسائل تولید، همه ظرفیتهای اقتصادی و اجتماعی موجود در جامعه ایران را با برنامه و نقشه مند، به کار می گیرد. با رفع بیگانگی تولید کنندگان از کالایی که با نیروی کار، تجربه و تخصص خود تولید می کند اما به سرمایه دار تعلق می گیرد، خلاقیت و توانائی توده های آزاد و حاکم بر سرنوشت خود را شکوفا می سازد. بدین ترتیب شکوفائی و توسعه اقتصادی واقعی ممکن می گردد، بازده کار با سرعتی غیر قابل تصور افزایش خواهد یافت، خدمات و محصولات مورد نیاز مردم در مقیاس انبوه برای رفع نیازهای مادی و معنوی انسانها تولید می شوند. مردم از امکانات یکسان و فراوان برای رشد استعداد و توانائی های فردی برخوردار خواهند بود و توانائی های فردی شکوفا میشوند، در چنین جامعه ای آزادی و رفاه هر فرد شرط آزادی و رفاه همگان خواهد بود، مبارزه برای بقای فردی خاتمه می یابد و انسان ها به شرایط واقعا انسانی قدم می گذارند. در نظام اجتماعی سوسیالیستی کار از یک اجبار برای مزد و امرار معاش، به امری داوطلبانه تبدیل می شود، که صرفا بر اساس درک وظیفه و پاسخگویی به نیاز اجتماعی انجام میگیرد. تکنولوژی و پیشرفتهای علمی در همراهی با پیشرفت های جهانی دانش در خدمت ارتقاء زندگی شهروندان قرار می گیرد و امکان پایین آوردن ساعات کار و افزایش ساعات فراغت را فراهم می آورد. جامعه سوسیالیستی به اشکال گوناگون نابرابریها و تبعیض ها نظیر ستمکشی زن و ستمگری و ... پایان می دهد. تبعیض جنسیتی و تنگ نظری ملی و نژادی جای خود را به همبستگی انسانی خواهد داد. سوسیالیسم به تخریب و فجاجع زیست محیطی که هستی، امنیت و رفاه انسان ها را به مخاطره انداخته اند پایان می دهد و حفاظت و بهره برداری عقلانی از طبیعت را به معیار اصلی پیشرفت و توسعه خود تبدیل می کند. تحقق چنین جامعه ای، خیال پردازی و تصور مدینه فاضله آرمانی نیست. حرکتی در سیر تحول مادی تاریخ بشر است. نیروی اجتماعی آن در قامت اعتراضات و اعتصابات باشکوه کارگران، اعتراضات تهیدستان شهری در صحنه حضور دارد و امکانات مادی تحقق آن وجود دارد. اما برای ارتقای سازمانیابی این نیروی اجتماعی، برای تقویت و انسجام بخشیدن به گرایش سوسیالیستی در درون طبقه کارگر و برای برپایی یک جنبش شورایی و برای برقراری سوسیالیسم باید آستین ها را بالا زد. در همان حال که باید بطور اثباتی به تبلیغ و ترویج سوسیالیسم پرداخت و تلاش کرد که

بدون ایفای نقش کمیته های کارخانه، کمیته های اعتصاب و یا

کمیسیون هفت نفره از اعضای کمیته مرکزی حزب را برای تدارک سیاسی و تشکیلاتی کنگره انتخاب کرد. در بخش گزارش های تشکیلاتی کمیته تشکیلات شهرها، کمیته رهبری کومه له (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران)، کمیته تشکیلات خارج از کشور، شورای تلویزیون حزب کمونیست ایران و کومه له، کمیته اداره سایت ها و شبکه های اجتماعی حزب، هیئت نمایندگی حزب در شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست، نشریه جهان امروز، کمیته روابط بین المللی، کمیسیون مالی، کمیسیون آموزش و کمیته اجرائی حزب را استماع و مورد نقد و بررسی قرار داد. پلنوم کمیته مرکزی در ادامه ارگان های مختلف فعالیت حزب را تقویت و تجدید سازمان کرد.

پلنوم ششم کمیته مرکزی منتخب کنگره سیزدهم حزب کمونیست ایران در بخش پایانی کار خود، به منظور هدایت فعالیت های سیاسی و تشکیلاتی حزب در فاصله دو پلنوم، از میان اعضای کمیته مرکزی حزب که در لیست کاندیداها قرار گرفته بودند، یازده نفر از رفقا: هلمت احمدیان، رثوف پرستار، نصرت تیمورزاده، شمسی خرمی، ناصر زمانی، حسن شمسی، رحیم عزیزپور، آرام فرج اللهی، صلاح مازوجی، جلال محمد نژاد و صدیقه محمدی را به عنوان اعضای کمیته اجرائی حزب انتخاب کرد.

کمیته اجرائی حزب کمونیست ایران

اسفند ۱۴۰۲

مارس ۲۰۲۴



فقرات آن را تشکیل دهد، می تواند انسجام صفوف نیروهای مسلح و سپاه پاسداران را در هم کوبد، شکاف درون صفوف این نیروها را عمیق تر کرده و قدرت سرکوب آن را زمینگیر کند و زمینه های سازمانیابی قیام و سرنوشتی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی فراهم آورد. برای پیشروی جنبش انقلابی جاری و در راستای تلاش برای ایجاد بدیل سوسیالیستی، عنصر رهبری سیاسی سراسری اهمیت عملی پیدا کرده است. آنچه روشن است جنبش انقلابی ژینا آگاهی به ضرورت سازمانیابی و شکل دادن به رهبری سیاسی را در جنبش کارگری و تمام جنبش های اجتماعی تقویت کرده است. در همین دوره اخیر بیانیه ده ها تشکل کارگری و دانشجویی و کانون نویسندگان ایران در محکومیت مجازات اعدام، بیانیه هایی که در محکومیت نسل کشی دولت اسرائیل در غزه منتشر شده اند، بیانیه های شورای هماهنگی تشکل های معلمان در رابطه با لایحه بودجه ۱۴۰۳ و نمایش انتخابات، همه اینها تلاش هایی در راستای شکل دادن به عنصر رهبری سراسری است. این تلاش ها را باید ارج نهاد و تقویت کرد. شکل گیری آلترناتیو سوسیالیستی از مسیر فوق می گذرد. جنبش کمونیستی متحذب و سازمانیافته و حزب کمونیست ایران به طور مشخص از مسیر پاسخگویی به نیاز این جنبش های واقعی در جامعه می تواند با جنبش چپ اجتماعی تلاقی پیدا کنند. این جنبش چپ اجتماعی در جامعه جنبش ما است، پایه اجتماعی آلترناتیو سوسیالیستی است. احزاب و سازمان های موجود در جنبش چپ و کمونیستی ایران رابطه سیاسی و معنوی عمیقی با چپ اجتماعی درون جامعه دارند، بنابراین نباید تصور کنند که در تبعید هستند. مکانیسم عمیق تر کردن پیوند نیروهای متحذب جنبش کمونیستی با این چپ اجتماعی، دادن پاسخ های مشترک به معضلات پیش روی جنبش های واقعی در درون جامعه است. از این مسیر باید تلاش کرد پیوندهای سیاسی و معنوی موجود به یک رابطه زنده و ارگانیک تبدیل گردند.

۵

نشست کمیته مرکزی حزب بعد از تصویب کلیات گزارش سیاسی که به طور مکتوب در اختیار پلنوم قرار گرفته بود و تأکید بر تکمیل و تدقیق آن نظر به مباحثی که در پلنوم مطرح گردید، وارد مبحث مربوط به تدارک برگزاری کنگره چهاردهم حزب شد و ضمن تأکید بر برگزاری کنگره در تابستان سال جاری، یک

بدون تکیه فعالان و پیشروان کارگری بر مجامع عمومی کارگری و دخالت دادن توده کارگران در سرنوشت این اعتراضات ممکن نیست. این کمیته های کارخانه، کمیته های اعتصاب و مجامع عمومی می توانند جوانه های شوراهای کارگری در آینده باشند. سیاست محوری حزب باید تقویت این روند و کمک به سازمانیابی جنبش کارگری با رویکرد شورایی باشد. در راستای پیشبرد استراتژی سوسیالیستی و با توجه به جایگاهی که زنان در تحولات سیاسی و اجتماعی دارند جنبش رهایی زن لازم است پایگاه اجتماعی خود را در میان توده میلیونی زنان کارگر و زحمتکش عمق و گسترش داده و سازمانیافته تر به میدان نبرد بیاورد. حضور برجسته زنان در جنبش اعتراضی بازنشستگان و معلمان به عنوان بخشی از جنبش کارگری و در جنبش دانشجویی و نقش آنان در سازمان سراسری و رهبری این جنبش ها ظرفیت های جنبش زنان در امر سازمانیابی و رهبری را هم نشان داده است. جنبش رهایی زنان می تواند در محلات فقیرنشین حاشیه شهرها نیز با سازماندهی زنان کارکن و زحمتکش این محلات در انجمن ها و شوراهای زنان بخشی دیگر از نیروی عظیم خود را به میدان آورد. جنبش رهایی زنان لازم است این بخش از نیروی کار را با نیروی سازمانیافته تر طبقه کارگر در کارخانه ها و مراکز صنعتی، با اعتراضات بازنشستگان و معلمان و دیگر جنبش های اعتراضی پیشرو در جامعه همراه کند. برای تضمین پیشروی جنبش رهایی زن، به میدان آوردن توده میلیونی زنان کارگر و زحمتکش ضروری است. جنبش دانشجویی در یک دهه و نیم گذشته و به ویژه در یک سال و نیم اخیر ظرفیت های برجسته ای در زمینه سازمانیابی و همبستگی با دیگر جنبش های پیشرو اجتماعی از خود بروز داده است. جنبش انقلابی کردستان تاریخا و اینبار با حضور پررنگ خود در جنبش انقلابی سراسری به چشم و چراغ مردم ایران تبدیل شد و بار دیگر نشان داد که یک پای اصلی هر تحول سیاسی و انقلابی در ایران است. این جنبش پتانسیل این را دارد که نیروی محرکه خود را سازمانیافته تر به میدان آورد. برای پیشروی جنبش انقلابی، این جویبارها باید به هم بپیوندند. گسترش و تحکیم پیوند این جنبش های پیشرو اجتماعی می تواند زمینه ساز تدارک اعتصابات سیاسی توده ای در سراسر ایران باشد. اعتصابات که توأم با راهپیمایی های خیابانی و تجمع های اعتراضی قادر هستند دستگاه سیاسی، اداری و اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی را فلج کنند. اعتصابات سیاسی توده ای که اعتصابات کارگری ستون



اطلاعیه کمیته مرکزی کومه له در مورد شکست مضحکه انتخابات شکست حکومت اسلامی سنگری برای پیشروی های بعدی!

تبدیل کرده اند، بر این باور بوده ند که راهکار خروج از بحرانهای موجود، نه رفتن پای صندوقهای نمایش انتخابات بلکه تلاش برای سرنگونی انقلابی حکومت اسلامی می باشد.

کومه له - سازمان کردستان حزب کمونیست ایران، شکست مفتضحانه جمهوری اسلامی در این مضحکه انتخاباتی و پیروزی پرشور کارگران، زنان آزاده و نستوه، زندانیان سیاسی، معلمان و بازنشستگان مبارز، دانشجویان، هنرمندان و دیگر اقشار مردم مبارز کردستان و سراسر ایران در نبرد و مقابله با رژیم اسلامی را تبریک و شادباش می گوید. بدون شک هر کدام از این پیروزیها در مقابل حکومت جنایتکار جمهوری اسلامی نتیجه رشد آگاهی و بلوغ سیاسی مردم مبارز و تلاشهای خستگی ناپذیر فعالین پیشرو و سوسیالیست در جامعه می باشد؛ هرکدام از این موفقیتها گامهای مهمی در عقب راندن رژیم و در روند سرنگونی حکومت اسلامی است. باید شکست مفتضحانه رژیم جمهوری اسلامی در این مضحکه انتخاباتی را به سنگری برای پیشروی در راستای تأمین ملزومات سرنگونی این رژیم تبدیل کنیم.

سرنگون باد حکومت جمهوری اسلامی
زنده باد حاکمیت شورایی مردم کردستان
زنده باد سوسیالیسم

کمیته مرکزی کومه له

سازمان کردستان حزب کمونیست ایران
۱۱ اسفند ۱۴۰۲
اول مارس ۲۰۲۴



در این نمایش انتخاباتی، "نه بزرگ دیگری بود به حکومت اسلامی و بار دیگر نشان داد که توازن قوای موجود در جامعه به ویژه به دنبال جنبش انقلابی "ژینا" بطور واقعی به نفع کارگران و توده های مردم زحمتکش و تهیدست جامعه و به زیان حکومت اسلامی تغییر کرده است؛ نشان داد که روند مبارزه برای سرنگونی رژیم اسلامی وارد فاز نوینی شده است؛ نشان داد که یکدست شدن پادگانی ارگانهای حاکمیت رژیم اسلامی در جهت تشدید سرکوب و ارباب برای بقا نیز، برایش چاره ساز نبوده است؛ نشان داد حکومتی که فساد و دزدی در تمام ارکان آن نهادینه شده و با تعمیق و گسترش روز افزون بحرانهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نیز روبرو است، نتوانسته و نخواهد توانست پاسخگوی خواستها و مطالبات کارگران و مردم زحمتکش جامعه باشد و عمرش به سر آمده و باید به شیوه انقلابی سرنگون گردد. بدون شک پس از این مضحکه انتخاباتی نیز حکومت اسلامی قادر نخواهد بود تغییری در اوضاع فلاکتبار زندگی و معیشت کارگران و توده های مردم تهیدست جامعه ایجاد کند. عملکرد حکومت اسلامی در رد صلاحیت مهره های رژیم در نمایش انتخابات اخیر نشان از آن دارد که خامنه ای و کادر رهبری سپاه پاسداران به این نتیجه رسیده اند که از طریق فریب و نیرنگ و تطمیع و تهدید نخواهند توانست کارگران و مردم زحمتکش را به سکوت و تمکین در مقابل تحمیل چنین شرایط مشقت باری وادارند. از این نظر گزینه ای جز تشدید سرکوب و اعدام برای تداوم حاکمیت شان پیش رو ندارند. از سوی دیگر کارگران و مردم مبارز کردستان که سالهاست نرفتن پای صندوقهای نمایش انتخابات حکومت اسلامی را به امری عادی

چنانچه از پیش محرز بود روز جمعه ۱۱ اسفند مردم مبارز در سراسر ایران و به ویژه در کردستان علیرغم تمام تلاشهای برنامه ریزی شده و تهدیدات سران حکومت و دستگاههای امنیتی و سرکوبگر رژیم، پای صندوق های رأی رفتند و در یک رویارویی آشکار حکومت اسلامی را شکست دادند. نتایج ملموس و میدانی نشان داد که در سراسر ایران و به ویژه در کردستان، حوزه های رأی گیری بسیار بیشتر از گذشته خلوت و سوت و کور بود و به جز عوامل رژیم و تعداد کمی دیگر که به دلائل مختلف پای صندوقهای رأی رفتند، مردم آزاده ایران در ابعاد توده ای مضحکه انتخابات حکومت اسلامی را با شکست مفتضحانه ای روبرو ساختند. مردم مبارز با این اقدام سیاسی نشان دادند که مشروعیتی برای حکومت جمهوری اسلامی قائل نیستند. بسیاری از تشکلهای کارگری و دیگر نهادهای اجتماعی بی محابا و جسورانه با انتشار اطلاعیه و بیانیه های سیاسی مستدل، آشکارا و قاطعانه اعلام کردند در نمایش انتخابات رژیم شرکت نخواهند کرد و رأی آنها سرنگونی کلیت حکومت اسلامی است. مراکز آماری از مشارکت ۱۶ درصدی مردم در این نمایش انتخاباتی سخن گفته اند. البته برآورد قبلی نهادهای حکومتی حاکی از مشارکت ۳۰ تا ۳۵ درصد واجدین شرایط رأی دادن در این نمایش انتخاباتی بود. قابل ذکر است بر اساس گزارشات رسیده میزان مشارکت در کردستان بسیار پایین تر از ۱۶ درصد مذکور نیز بوده است. البته با توجه به رشد اعتصابات کارگری و پیشروی جنبشهای اعتراضی طی سالهای اخیر، وقوع چنین شکست مفتضحانه ای برای رژیم اسلامی نیز قابل پیش بینی بوده است. این رویارویی و عدم مشارکت توده های مردم



شماره ۴۴۶ پیشرو نشریه

کومه له

(سازمان کردستان حزب کمونیست ایران)

به زبان کردی منتشر شد!

اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست:

جمهوری اسلامی در مضحکه انتخاباتی شکست خورد!

مبارزه برای سرنگونی ادامه دارد!



دیگر جنبش‌های پیشرو اجتماعی داشته است. مردم انقلابی کردستان با حضور خود در جنبش انقلابی سراسری بار دیگر نشان دادند که یک پای هر تحول سیاسی و انقلابی در ایران هستند. گسترش و تحکیم پیوند این جنبش‌های پیشرو اجتماعی می‌تواند زمینه ساز تدارک اعتصابات سیاسی توده‌ای در سراسر ایران باشد. اعتصابات که توأم با راهپیمایی‌های خیابانی و تجمع‌های اعتراضی قادر هستند دستگاه سیاسی، اداری و اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی را فلج کنند. اعتصابات سیاسی توده‌ای که اعتصابات کارگری ستون فقرات آن را تشکیل دهد، می‌تواند انسجام صفوف نیروهای مسلح و سپاه پاسداران را در هم کوبد، شکاف درون صفوف این نیروها را عمیق‌تر کرده و نیروی سرکوب را زمین‌گیر کند و زمینه‌های سازمانیابی قیام و سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی را فراهم آورد. چپ انقلابی و کمونیست باید تمامی توان خود را در این راستا متمرکز کند. سرنگون باد

رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

چهاردهم اسفند ماه ۱۴۰۲
چهارم مارس ۲۰۲۴

امضا: اتحاد سوسیالیستی کارگری،
حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست
کارگری - حکمیتست، سازمان راه کارگر،
سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت



و انقلابی را تجربه کرده‌اند، مدتهاست که نه تنها صندوق آرا، بلکه کلیت رژیم جمهوری اسلامی را آماج قرار داده‌اند. سران رژیم اسلامی هم می‌دانند که بیش از این نمی‌توانند مردم را با فریب و تهدید به پای صندوق‌های رأی بیاورند تا از این طریق مشروعیت انتخاباتی خودشان را به نمایش بگذارند. اکنون تنها کارکرد این نوع مضحکه‌های انتخاباتی یکدست کردن مجلس خبرگان و مجلس شورای اسلامی و دیگر نهادهای و ارگانهای حکومتی برای حفظ ظرفیت‌های سرکوب است. در چنین شرایطی برای در هم شکستن استراتژی تشدید سرکوب و برای سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی داشتن یک استراتژی سوسیالیستی و انقلابی، سازمانیابی و شکل دادن به هژمونی طبقه کارگر در ابعاد سراسری برای پیشروی جنبش انقلابی جاری اهمیت عملی پیدا کرده است. شکست رژیم اسلامی در این نمایش انتخاباتی می‌تواند سکوی برای پیشروی مبارزه در راستای پاسخگویی به این نیازها باشد. جنبش کارگری ایران به رغم همه موانعی که سر راه دارد به پشتوانه تجارب اعتصابات، اعتراضات و مبارزات خود بویژه در یک دهه و نیم گذشته می‌تواند بر این موانع غلبه کند و سازمانیافته‌تر به میدان بیاید. حضور برجسته زنان در خیزش‌های توده‌ای و انقلابی و نقش آنان در اعتراضات سراسری معلمان و دانشنگان و در جنبش دانشجویی بیانگر ظرفیت‌های بالای جنبش زنان در امر سازمانیابی است. جنبش دانشجویی نقش برجسته‌ای در زمینه سازمانیابی و همبستگی با

سناریوی مهندسی شده "انتخابات" مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان با سد تجربه، آگاهی و هوشیاری کارگران و مردم آزاده ایران روبرو شد و شکست خورد. اکثریت قاطع مردم ایران که از فقر و گرانی، تبعیض و نابرابری و امواج پی در پی کشتار و قتل‌های دولتی به جان آمده‌اند در یک اقدام قاطع و شکوهمند سیاسی با یک نه بزرگ کلیه نقشه‌های سران رژیم، فرماندهان سپاه و نیروهای امنیتی برای کشاندن مردم به پای صندوق‌های رأی را ناکام گذاشتند. بنا به گزارش‌ها در استان تهران و در سایر استان‌ها اکثریت عظیم مردم در این نمایش انتخاباتی شرکت نکردند. در استان‌های کردستان، لرستان و سیستان و بلوچستان عدم شرکت مردم بسیار چشمگیرتر بوده است. کارگران فولاد اهواز، بازنشستگان، معلمان، دانشجویان مدتها قبل راه را نشان داده و اعلام کرده بودند که: "ما دیگه رأی نمی‌دهیم". هم‌زمان با آن در عمل کمپین تبلیغی گسترده‌ای به پهنای جامعه ایران در کوچه و خیابان و ادارات و محلات کار، در اتوبوس، مترو و در شبکه‌های اجتماعی برای به شکست کشاندن این مضحکه انتخاباتی پیش رفت. از این رو شکست این نمایش انتخاباتی برای سران و کارگزاران رژیم جمهوری اسلامی هم قابل پیش بینی بود. کارگران و فرودستان، زنانی که روزانه زیر تازیانه نظام آپارتاید جنسیتی قرار دارند، مردم آزاده ایران که طی شش سال گذشته خیزش‌های متعدد و یک جنبش عظیم سیاسی

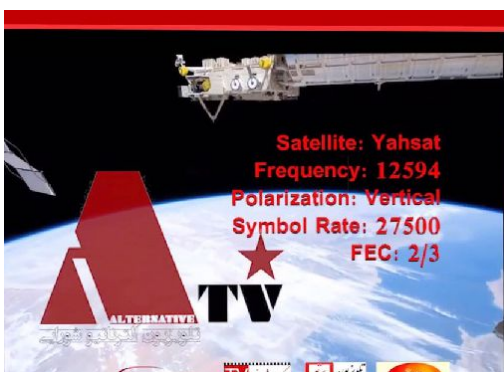
تلویزیون حزب کمونیست ایران و کومه‌له برنامه‌های خود را به همراه تلویزیون‌های "دمکراسی شورایی"، "پرتو" و "برابری" بر روی کانال ماهواره‌ای "تلویزیون آلترناتیو شورایی" کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاهسات پخش می‌کند.

ساعت پخش برنامه‌های تلویزیون حزب کمونیست ایران و کومه‌له به وقت تهران:

- آغاز برنامه‌ها، ۱۷،۳۰، پنج و نیم عصر
- تکرار بار اول، ۲۳،۳۰، یازده و نیم شب
- تکرار بار دوم، ۰۵،۳۰، پنج و نیم صبح
- تکرار بار سوم، ۱۱،۳۰، یازد و نیم قبل از ظهر

"شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست"

نیز روی همین کانال برنامه‌های مشترک خود را تحت عنوان تلویزیون "آلترناتیو شورایی" در روزهای سه شنبه و یکشنبه هر هفته برنامه‌های خود را پخش می‌کند.



اعلامیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن (۲۰۲۴)



۸ مارس روز جهانی زن برابر با ۱۸ اسفند در حالی فرا می رسد که حدود یک سال و نیم از جنبش انقلابی توده ها با پیشتازی زنان که قتل دولتی ژینا امینی به علت عدم رعایت حجاب جرقه آن را زد می گذرد. اگر از همان آغاز به قدرت رسیدن ضد انقلاب اسلامی بیرون آمدن تار موی زنان از زیر روسری تعرضی به بنیادهای ایدئولوژیک حکومت دینی سرمایه داران بحساب می آمد، اینبار زنان آزاده ایران در پیشاپیش توده های پباخاسته به خیابان آمدند تا با شعارهای "زن، زندگی، آزادی" و "مرگ بر خامنه ای"، با اقدامات نمادینی مانند دور افکندن روسری ها بر کف خیابان و سوزاندن آنها، با زیر پا نهادن قوانین تفکیک جنسیتی در دانشگاهها، پایه های قدرت سیاسی و ایدئولوژیک حکومت اسلامی را در هم کوبیده و بساط آن را درهم پیچند.

این جنبش انقلابی، از آنجا که نیروی اجتماعی طبقه کارگر و مردم معترض به وضع موجود را در ابعاد توده ای به میدان نبرد نیاورده و ملزومات تحول انقلابی در جامعه را فراهم نکرده، قادر نشده است به اهداف روشن خود که سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و پایان دادن به اشکال گوناگون تبعیض و ستمگری است دست یابد. اما جنبش انقلابی ژینا به رغم ناکامی در جaro کردن بساط جمهوری اسلامی، تحول عظیم و ماندگاری در آگاهی و ذهنیت زنان و مردان کارگر و زحمتکش و فرودست جامعه ایجاد کرده است. این جنبش انقلابی با شعارها، نمادها و مشت های گره کرده زنان در خیابان نشان داد که زنان یکی پای اصلی هر تحول سیاسی و اجتماعی در ایران هستند. این جنبش لیبرالیسم بورژوایی ایران که تحت عنوان مرزبندی با خشونت در تلاش بود مفهوم انقلاب را تخطئه کند عقب راند، ذهنیت انقلابی را تقویت کرد و بار دیگر سوژه انقلاب را بر سر زبان ها انداخت. این جنبش سیاسی و انقلابی درک ضرورت سازمانیابی و شکل دادن به عنصر رهبری را در همه جنبش های رادیکال اجتماعی تقویت کرد. این جنبش بیش از هر زمان دیگری به مبارزه زنان ایران علیه نظام آپارتاید جنسیتی مقبولیت اجتماعی و جهانی بخشید. زنان در

پیشاپیش مردان با شور شجاعتی که در تسخیر خیابان ها به نمایش گذاشتند نشان دادند که سرنگونی جمهوری اسلامی و پایان دادن به تبعیض و نابرابری امری ممکن است. ۸ مارس امسال بر متن این پیشروی ها برگزار می شود.

جنبش انقلابی ۱۴۰۱ با پیشتازی زنان چنان مهر خود را بر جامعه ایران کوبیده است که تهاجم و حملات شیمیایی برنامه ریزی شده رژیم هراسیده جمهوری اسلامی به مدارس دخترانه، تعرض سازمانیافته به دانشگاهها و دختران ها و مکان های عمومی، موج پی در پی اعدام ها و کشتار زندانیان، نتوانسته است جامعه ایران را به قبل از خیزش ژینا بازگرداند. این جنبش سیاسی و انقلابی، جنبش زنان و دیگر جنبش های اجتماعی و اعتراضی را در موقعیت بهتری قرار داده است. اما جنبش رهایی زن برای تثبیت دستاورد هایش لازم است پایگاه اجتماعی خود را در میان توده میلیونی زنان کارگر و زحمتکش عمق و گسترش داده و سازمانیافته تر به میدان نبرد بیاید. حضور برجسته زنان در جنبش اعتراضی بازنشستگان و معلمان به عنوان بخشی از جنبش کارگری و در جنبش دانشجویی و نقش آنان در سازمان سراسری و رهبری این جنبش ها ظرفیت های جنبش زنان در امر سازمانیابی و رهبری را هم نشان داده است. جنبش رهایی زنان می تواند در محلات فقیر نشین حاشیه شهرها نیز با سازماندهی زنان کارکن و زحمتکش این محلات در انجمن ها و شوراهای زنان بخشی دیگر از نیروی عظیم خود را به میدان آورد. جنبش رهایی زنان لازم است این بخش از نیروی کار را با نیروی سازمانیافته تر طبقه کارگر در کارخانه ها و مراکز صنعتی، با اعتراضات بازنشستگان و معلمان و دیگر جنبش های اعتراضی پیشرو در جامعه همراه کند. برای تضمین پیشروی جنبش رهایی زن، به میدان آوردن توده میلیونی زنان کارگر و زحمتکش ضروری است. چون ستمکشی زنان و همه تبعیض هایی که علیه آنان اعمال می شود ریشه در ساختارها و مناسبات اقتصادی و اجتماعی سرمایه داری حاکم بر جامعه دارد. بخش های مختلف اپوزیسیون بورژوایی و

در میان آنها جریان های نئولیبرال لائیک و جمهوری خواه برای کنترل و به بیراهه بردن جنبش اجتماعی زنان ریاکارانه از برابری حقوقی زنان با مردان سخن می گویند. اینها برابری صوری را با نابرابری اقتصادی و اجتماعی را ترکیب می کنند. اینها می خواهند برابری حقوقی زنان را با برنامه های سرمایه دارانه و نئولیبرالیسم اقتصادی آمیخته کنند. در حالی که بدون به زیر کشیدن مناسبات سرمایه داری، بدون الغای مالکیت خصوصی و بدون برابری اقتصادی هیچ گاه حتی برابری حقوقی زنان با مردان در عرصه های مختلف حیات اجتماعی تأمین نمی گردد. در واقع جنبش رهایی زنان تا زمانی که نتواند در اتحاد استراتژیک با جنبش کارگری و دیگر جنبش های پیشرو اجتماعی رژیم جمهوری اسلامی را سرنگون کند و تا زمانی که نیروی اجتماعی عظیم تولید کنندگان بنیادهای نظام سرمایه داری را دگرگون نکند و در مسیر سازماندهی اقتصاد سوسیالیستی و اداره و مدیریت شورایی جامعه قرار نگیرد، ستمکشی زنان از رخسار جامعه محو نمی شود و جامعه آزاد نمی گردد.

حزب کمونیست ایران ضمن تقدیر از تلاش هایی که برای برگزاری هر چه با شکوه تر ۸ مارس روز جهانی زن، روز همبستگی بین المللی جنبش زنان در مبارزه علیه ظلم و ستم و تبعیض جنسیتی در جریان است، ۸ مارس را به همه زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب تبریک می گوید. حزب کمونیست ایران همه زنان و مردان آزادیخواه را فرا می خواند که بر متن توازن قوایی که به سود جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی تغییر یافته است ۸ مارس روز جهانی زن را هر چه با شکوه تر برگزار کنند.

**گرامی باد ۸ مارس روز جهانی زن
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری**

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران
اسفند ۱۴۰۲
مارس ۲۰۲۴



اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست درباره کنفدراسیون کار



جمله تشکیل کنفدراسیون، نقش و تأثیرش بر اتحاد و انسجام گرایش سوسیالیستی در جنبش کارگری و تبلور آن در ایجاد تشکلهای طبقاتی و توده ای کارگری است. ما ایجاد کنفدراسیون را که فراسر کارگران و از بالا شکل گرفته یک پروژه سیاسی در راستای تقویت گرایش رفرمیست - راست در جنبش کارگری می دانیم. از نظر ما کمبودها و انتقادات مطرح شده از جمله از طرف جدانشدگان از کنفدراسیون از ماهیت رفرمیست - راست این کنفدراسیون ناشی می شود نه در اثر اشتباه و غفلت در گفته و عملکرد این یا آن عضو موسس آن.

سرنگون باد

رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

هجدهم اسفند ماه ۱۴۰۲ - هشتم مارس ۲۰۲۴
امضا: اتحاد سوسیالیستی کارگری،
حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست
کارگری - حکمیتست، سازمان راه کارگر،
سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت



نیست و دارای گرایشات متفاوت است. موقعیت و قدرت گرایشات مختلف سیاسی و فکری در جنبش کارگری در تعیین نوع نظام سیاسی اقتصادی پس از رژیم اسلامی اهمیت حیاتی دارد. از نظر سوسیالیستها سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی و در عین حال گذر از نظام مدافع صاحبان صنایع و سرمایه در گرو قدرت و انسجام سوسیالیستها و تقویت جناح چپ و سوسیالیست جنبش کارگری است که تبلور آن در سمتگیری تشکلهای طبقاتی و توده ای کارگری بازتاب می یابد. بی اعتنائی گسترده مردم به نمایش انتخاباتی ۱۱ اسفند، تحولات ایران را بیش از پیش به سمت یک انقلاب اجتماعی سوق داده و مانند انقلاب ۵۷ سؤال اساسی و فوری تمام جریانات مدافع نظام سرمایه داری این است که چگونه باید با سوسیالیستها و یک جنبش کارگری که سوسیالیستها در آن دست بالا را دارند، مقابله کرد. از نظر شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست، در دل اوضاع متحول کنونی که پای منافع طبقه کارگر در سطح کلان در میان است، معیار ارزیابی تمام فعالیتهای معطوف به جنبش کارگری و از

یجاد "کنفدراسیون کار - خارج کشور" برای گرفتن نمایندگی طبقه کارگر ایران در نهادهای بین المللی بحث های گسترده ای را در داخل و خارج کشور دامن زده است. زیرا کنفدراسیون نه تنها خود را تشکل سراسری کارگران ایران نمی داند بلکه حتی ادعا ندارد که با اطلاع و موافقت فعالین و تشکلهای فی الحال موجود و قابل دسترس کارگری در ایران ایجاد شده است. از ۲۴ فوریه تا کنون ۴ نفر از ۱۵ نفر موسسین این کنفدراسیون از آن جدا شده اند. از نظر این جدا شدگان تعداد آشنایان به مسائل کارگری در میان موسسین کنفدراسیون کمتر از انگشتان یک دست است. فراتر از انتقادات و سئوالات گسترده ای که در داخل و خارج کشور به چگونگی ایجاد این کنفدراسیون تا کنون طرح شده، این اقدام را باید در دل اوضاع متحول ایران بررسی کرد. با فروکش موقتی جنبش انقلابی ۱۴۰۱ حتی جریانات دست راستی نیز به نقش و اهمیت بی بدیل مبارزات طبقه کارگر در هر نوع تحول اساسی در جامعه ایران پی برده اند و برای یاریگری در جنبش کارگری دست به کار شده اند. جنبش کارگری یک دست

به اسم کارگر ساده دهها حقوق از ما ضایع می شود!

شده حقوق زیادی از آنها تضییع شود؛ «اصلا کارگر ساده یعنی چه؟ کارگر آسمش رویش است؛ کسی که باید بیشترین تحرک بدنی و فکری را برای انجام درست یک کار عینی داشته باشد. وقتی یک پسوند ساده به کارگر می چسبانند، یعنی او را از دهها حقوق و مزایا محروم می کنند. به او می گویند تو کسی هستی که چون هیچ مهارتی نداری، پس حق خاصی هم نداری؛ درحالی که اینطور نیست و از کارگر فاقد مهارت انواع و اقسام کارهای سخت و زیان آور را بدون هیچ محدودیتی می کشند و وقتی هم به مهارت رسید، باز هم او را نادیده می گیرند.» نسیم، متولد ۱۳۷۴ لیسانس معماری دارد و علاقه مند به مسائل زنان، کارگری و پیگیری حقوق تضییع شده همکاران کارگر خود در فروشگاهها؛ اصلا به همین خاطر است که تا حالا از سوپرمارکت و هایپرمارکت اخراج شده و هنوز نتوانسته سر و سامان بگیرد؛ «هیچ نهاد و صنفی نیست که از کارگران

فروشگاهها، مغازهها، لباس فروشیها و... اغلب حفظ نمی شود و برای کسی هم مهم نیست. شما بروید ببینید کارگران این فروشگاههای بزرگ که آنقدر شیک و مجلل هستند، در کجا مجبورند ناهار بخورند و یا چند دقیقه استراحت کنند، کجا باید بروند. اغلب فروشگاهها هیچ جایی برای این کار در نظر نگرفته اند و کارگر باید در انبار بین جعبه ها و کارتن ها غذایش را بخورد. برای زنان که اوضاع بدتر است. یک زن اگر روزی دچار دل درد ناشی از عادت ماهانه شود، حتی جایی نیست که چند دقیقه دراز بکشد. چه کسی این کمبودها را می بیند؟ مأمور اداره کار؟ فعالان حقوق زن؟ شده یکبار درباره حقوق کارگران به اصطلاح ساده در مراکز خرید در روز کارگر یا نشست با مدیران وزارت کار صحبت کنند و صدای ما باشند؟» نسیم معتقد است که اطلاع کارگران ساده به گروهی از کارگران که در تولیدی های کوچک، فروشگاهها و مغازهها مشغول به کارند، باعث

وقتی خواسته کار در این فروشگاه را به عنوان کارگر ساده شروع کند، به او گفته اند که باید تعهد کتبی از همسر یا پدرش بیاورد وگرنه از کار خبری نیست. اول به نسیم برمی خورد؛ مگر وقتی جیبش خالی است و توان خرید یک دست لباس برای خودش را ندارد، شوهرش کاری برایش کرده که حالا باید رضایت کتبی بدهد. چند هفته مقاومت کرده و تعهدنامه را نیاورده، اما بعد مجبور شده تن به این جبر غیرقانونی بدهد؛ «این کار را با همه زنان در اغلب سوپرمارکت های زنجیره ای می کنند؛ یک جور تناقض زشت در رفتارهایشان است. چطور وقتی از ما هزار جور کار سخت و سنگین می کشند، نگاه جنسیتی ندارند، ولی ما باید هنوز از پدر و شوهر و برادرمان برای دیرتر رفتن به خانه رضایت نامه بیاوریم؟» نسیم تا حالا در چندین فروشگاه کارگری کرده و هنوز به عنوان یک کارگر معمولی مشغول به کار است. «کرامت کارگران





اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان: شکست مفتضحانه جمهوری اسلامی و پیروزی مردم ایران در نمایش انتخابات!

نظام قرون وسطایی رژیم فاسد و انسان ستیز اسلامی گفتند و نشان دادند کهخواست آنها نه فرستادن چند مهره رسوا به مجلس ارتجاع بلکه خواهان سرنگونی و بنای جامعه ای عاری از هر گونه ستم و استثمار هستند. شکست رژیم جمهوری اسلامی در انتخابات مجلس ارتجاع و فسیلان خبرگان و نه بزرگ مردم محروم و جان به لب رسیده ایران ادامه جنبشی است که یکسال ونیم پیش با قتل حکومتی ژینا از کردستان شروع شد و در مدت کوتاهی به بیشتر شهرهای ایران گسترش یافت، جنبشی از توده های پیا خواسته که در طول حکومت ننگین رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی زندگی مشقت باری به آنان تحمیل شده است، جنبشی که خواهان آزادی، برابری، رفع ستم جنسیتی و علیه حاکمان فاسد، دزد و رانت خوار جمهوری اسلامی است، جنبشی که با شعار مرگ بر دیکتاتور، زنده باد آزادی برابری سرپای نظام فاسد و جنایتکار را به لرزه درآورد، جنبشی که خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی و پایان دادن به اشکال ستم طبقاتی جنسیتی و ملی است. جنبشی که زنان و دختران جوانی که روسری های خود را در خیابان آتش زدند نه تنها به حجاب اجباری بلکه به تبعیض گسترده ای که بزنان از همان فرادای انقلاب ۵۷ و از آغاز بقدرت رسیدن حاکمان جهل و سرمایه جمهوری اسلامی در طی ۴۵ سال حاکمیت سیاه اسلام سیاسی با اعمال سرکوب سازمان یافته به زنان تحمیل شده است. جنبشی که با شعار زن، زندگی، آزادی، مرگ بر دیکتاتور، نقطه عطفی در جنبش زنان برای دستیابی به برابری حقوقی زنان و مردان و رفع ستم جنسیتی نه در مطالبه این خواست از استبداد دینی حاکم، بلکه در انقلاب و پایان دادن به این رژیم فاسد و استبدادی، این جنبش در قامت مبارزات کارگران فولاد اهواز، کارگران صنعت نفت، بازنشستگان و دیگر مراکز کارگری و شرکت نکردن در نمایشهای رسوای انتخاباتی ادامه و گسترش خواهد یافت. مدتهاست که رژیم دیکتاتوری و ضد بشری و فاسد جمهوری اسلامی مشروعیت خود را از دست داده است و تنها با ابزار سرکوب و خونین اعتراضات مردم پیاخواسته به حیات ننگین خود ادامه میدهد. گسترش مبارزه و بمیدان آمدن سازمان یافته کارگران و تود های آگاه و محروم به عمر ننگین رژیم تبهکار اسلامی خاتمه خواهد داد.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

زنده باد حاکمیت شورایی مردم در کردستان

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان

۱۴۰۲/۱۲/۱۷

روز جمعه دوازدهم اسفند ماه نمایش فرمایشی انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری برگزار شد، علیرغم تلاشهای مذبحخانه رسانه های حکومتی و سردمداران رژیم و شخص علی خامنه ای برای برگزاری یک انتخابات پرشور، در سراسر ایران با تحریم گسترده ای از جانب توده های محروم و جان به لب رسیده ایران که در سایه رژیم دزدان، قاتلان، جنایتکاران و رانت خواران با فقر و بیکاری و نا امنی روبرو هستند، روبرو شد، علیرغم ادعاهای دروغین رسانه های حکومتی و کارگزاران رژیم و سناریوهای ساخته و نخ نمایی بر مشارکت مردم در انتخابات شواهدی در دست است که میزان مشارکت در این دوره به میزان زیادی از تمامی دوره های گذشته کمتر بوده است، بدلیل عدم مشارکت مردم در انتخابات در تعداد زیادی از حوزه ها انتخابات بدور دوم کشیده شده، پدیده آرای باطله در این دوره نشان میدهند که کسانی بهر دلیلی به پای صندوق رای میروند با نوشتن کلماتی بر روی ورقه رای نفرت و بیزاری خود را از رژیم ابراز داشتند. عدم مشارکت در نمایش رسوای رژیم برای همه حتی برای کارگزاران رژیم نیز قابل پیش بینی بود، کارگران و توده های محروم و زجر دیده، زنان مبارز و آزاده که فقر و فلاکت و گرانی و بی حقوقی و سلب ابتدایی ترین حقوق انسانی از جانب این رژیم به آنها تحمیل شده به یک مشت دزد و قاتل و جنایتکار رای ندادند، به کسانی رای نخواهند داد که دسته دسته جوانان را به پای چوبه دار میفرستند و زنان و مردان مبارز را زندانی و بشیوه وحشیانه و قرون وسطایی شکنجه میکنند، به کسانی که مروج افکار پوسیده و فرهنگ عقب مانده و زن ستیز هستند رای نخواهند داد، به کسانی که جوانان معترض را به گلوله می بندند رای نخواهند داد. مردم مبارزی که خیزش انقلابی ۹۶ و ۹۸ و خیزش شکوهمند سال ۱۴۰۱ با شعار زن، زندگی، آزادی بعد از قتل حکومتی ژینا از کردستان شروع و در مدت کوتاهی به بیشتر شهرهای ایران گسترش یافت را در کارنامه مبارزه و فداکاری خود دارد و توحش و انسان کشی جنایتکاران دیده اند و با شعارها خود و با بانک رسا به کلیت نظام فاسد اسلامی نه گفتند، در این نمایش رسوای رژیم با نرفتن به پای صندوق های رای نشان دادند که خواهان سرنگونی نظام فاسد اسلامی هستند. نمایش رسوای انتخابات جمهوری اسلامی در کردستان همیشه با بی رغبتی و عدم مشارکت مردم مبارز و انقلابی کردستان روبرو بوده است، رژیم در طول حیات ننگین چهل و پنج ساله اش هیچگاه نه تنها از پایگاه قابل اتکایی در کردستان برخوردار نبوده بلکه همیشه مورد نفرت و بیزاری مردم کردستان بوده است، در این مضحکه انتخاباتی مردم شریف کردستان با شرکت نکردن در نمایش رسوای رژیم نه بزرگی به

روزمزد در بخش خصوصی حمایت کند. ما به معنای واقعی کلمه جلوی چشم همگان استثمار می شویم، اما کسی حتی ما را نمی بیند. خودمان هم توانایی دفاع از حقوق خودمان را نداریم؛ چون همه از اقبال ضعیفی هستیم که به نان شب محتاجیم و همین نیاز باعث شده زبانمان سر جایش باشد و نتوانیم پیمان را از گلیم پاره ای که برایمان پهن کرده اند، درازتر کنیم.» او می گوید، ابایی از این ندارد که بار سنگین بلند کند، یا صبح تا شب طعنه و کنایه بی دلیل بخشی از مشتریان را بشنود و در معرض کرونا باشد، اما دوست دارد او را به عنوان یک کارگر در روزها و هفته هایی که به این نام، اسم گذاری شده، ببیند و در تعریف های رسمی بگنجانند؛ «شما ببینید چطور بچه هایی که پشت کانتر تبلیغات برای فروش محصولات سفارشی ایستاده اند را رهگذران با دست پس زدن، چشم و ابرو آمدن یا مسخره کردن، آزار می دهند؟ آن فروشنده چرا باید تحقیر شود؟ چرا بخشی از مردم احترام گذاشتن به او را یاد نگرفته اند؟ چرا باید ماهانه بین ۵۰۰ تا ۷۰۰ هزار تومان دستمزد بگیرد؟ مگر غیر از این است که ما به دنبال کسب روزی حلال هستیم؟ یا در دوره کرونا فروشگاه های مواد غذایی برای تامین مایحتاج مردم هر روز باز بوده و هستند و بیشترین تماس را با مردم دارند، ولی شما دیدید که یک فعال کارگری از ما دفاع کند و بگوید کارگران و فروشندگان این فروشگاه ها باید در اولویت تریق واکسن قرار بگیرند؟ یا یک سومشان دورکار شوند؟ اتفاقا کار ما در این دوره بیشتر و سخت تر هم شد؛ چون باید دائم نظافت و ضد عفونی کنیم.»

جنگ افروزی "حوثی ها" در منطقه با هدف سازش و معامله!

کرده است. حکومت اسلامی علیرغم ادعای دشمنی با اسرائیل و وعده نابودی آن، در طول پنج ماه جنگ نژاد پرستانه اسرائیل علیه مردم غزه، اقدامی علیه اسرائیل انجام نداده است. اما زیوانه و فرصت طلبانه حملات حوثی ها به کشتی ها در منطقه را به حساب خود و آنچه "محور مقاومت" کذایی می نامد، می گذارد. اما حوثی ها که سالهاست در بن بست سیاسی و اقتصادی گرفتار آمده اند و از ایجاد هرگونه تغییر و پیشرفتی در اداره جامعه عاجز و ناتوان هستند، اعلام کرده اند همچنان به حملات خود به کشتی ها ادامه خواهند داد. هدف آنان از تداوم این حملات نه حمایت و دفاع از مردم بی دفاع فلسطین در مقابل اسرائیل، بلکه استفاده از فرصتی است که جنگ غزه برای آنان فراهم کرده است. حوثی ها دو هفته پس از آغاز جنگ فاشیستی اسرائیل علیه مردم غزه، حملات موشکی و پهبادی به کشتی های تجاری در دریای سرخ و خلیج عدن را تحت عنوان دفاع از مردم غزه آغاز کردند. در واقع هدف آنها از این حملات ارسال پیام به آمریکا و دیگر دولتهای اروپایی جهت سهم خواهی و معامله و سازش است. تا بلکه از این طریق بتوانند بن بست و بحرانهای موجود خود را کاهش دهند و برای مدتی دیگر نیمچه حکومت بحران زده و ورشکسته خود را سرپا نگاهدارند. این همان سیاستی است که جمهوری اسلامی سالهاست برای بقای خود به آن متوسل شده است. به همین دلیل علیرغم ادعای ظاهری حوثی ها مبنی بر حمایت از مردم غزه از طریق حمله فقط به کشتی های آمریکایی و انگلیسی و کشتیهایی که به اسرائیل کالا حمل می کنند، در این مدت کشتی هایی را هدف قرار داده اند که هیچ ارتباطی با اسرائیل، آمریکا و یا انگلستان نیز نداشته اند. اما توسل به سیاستهای جنگ افروزان و توسعه طلبانه و زیاده خواهانه اگر تا کنون بحرانهای حکومت اسلامی را چاره ساز نبوده، برای حوثی ها نیز فایده ای دربر نخواهد داشت. زیرا بقای حکومتها را نه سیاستهای جنگ افروزان و تروریستی در منطقه بلکه رفع بحرانهای اقتصادی و سیاسی و اجتماعی در داخل تأمین خواهد کرد، امری که از ظرفیت حکومتهای سرمایه داری از نوع اسلامی نیز خارج است.

وساطت چین، عملاً حاشیه ای شد و پایان یافت. اما به دنبال شعله ور شدن آتش جنگ نژادپرستانه کنونی دولت اسرائیل علیه مردم فلسطین در نوار غزه، حوثی ها به بهانه و تحت عنوان دفاع از مردم فلسطین عملاً وارد این جنگ نیز شدند. آنان مدعی هستند که با حملات موشکی و پهبادی، کشتی های آمریکا و بریتانی و کشتی هایی را که از خلیج عدن و تنگه "باب المندب" و دریای سرخ عبور می کنند و به اسرائیل رفت و آمد می کنند را مورد حمله قرار می دهند. اتخاذ چنین سیاستی گرچه نتیجه بن بست و درماندگی حوثی ها در اداره جامعه است، اما در همانحال بازی با آتش نیز می باشد. بدیهی است که چنین حملاتی با توجه به اهمیت استراتژیک این منطقه برای منافع آمریکا و دیگر دولتهای سرمایه داری، با عکس العمل نظامی آنان مواجه می گردد. کما اینکه حملات موشکی و پهبادی حوثی ها به کشتی سایر دولتها نیز با بمباران و اقدامات تلافی جویانه آمریکا و همپیمانانش پاسخ گرفته است. نتایج جنگ افروزی حوثی ها تا کنون ضمن آنکه بسیاری از بنادر، پایگاهها و امکانات نظامی حوثی ها را از بین برده، برای مردم فقر زده یمن نیز بسیار مصیبت بار بوده است. علاوه بر آن اخیراً دولت آمریکا دوباره گروه حوثی ها را در لیست تروریستی خود قرار داد که یکی از عوارض آن تحمیل تحریمهای بیشتر علیه حوثی ها خواهد بود. البته دود آن نیز در درجه اول به چشم کارگران و مردم تهیدست یمن خواهد رفت. جریان اسلامی و ارتجاعی حوثی ها با وارد شدن در این جنگ ویرانگر بار دیگر عملاً زندگی و معیشت و امنیت مردم یمن را در معرض کشتار و ویرانی دیگری قرار داده است. محصول اجرای چنین سیاستهایی که با مشاورت و راهنمایی و کمکهای بی دریغ مالی و تسلیحاتی جمهوری اسلامی انجام می گیرند، تا کنون برای کارگران و مردم ستمدیده یمن جز گسترش فقر و فلاکت، بیکاری، کشتار و ناامنی چیز دیگر نبوده است. بنا به آمار سازمانهای امداد بین المللی در حال حاضر زندگی و معیشت بیش از ۸۰ درصد مردم یمن وابسته به ارسال کمکهای بشر دوستانه آنها است. رژیم جمهوری اسلامی با کمکهای تسلیحاتی و نظامی بی دریغ به حوثی ها آنان را در جهت اهداف و منافع منطقه ای خود به برپایی جنگها تشویق

گروه اسلامی حوثی حاکم بر بخش شمالی یمن روز ۱۶ اسفند اعلام کردند که مسئولیت حمله موشکی به یک کشتی باری یونانی در نزدیکی بندر عدن (یمن جنوبی) را برعهده میگیرند. رویترز نیز نوشت در نتیجه این حمله موشکی دو نفر از خدمه کشتی کشته و چهار نفر دیگر زخمی شدند و از سر نوشت ۲۰ خدمه و سه نگهبان دیگر کشتی مزبور اطلاعی در دست نیست. این در حالی است که اوایل هفته گذشته نیز یک کشتی باربری انگلیسی هدف حملات موشکی حوثی ها قرار گرفت و غرق شد که تأثیرات زیادی در تلوث و آلودگی محیط زیست منطقه به دنبال داشت. روز ۱۵ اسفند نیز "ستکام" ستاد فرماندهی مرکزی آمریکا، اعلام کرد که یک موشک بالستیک ضد کشتی و سه پهباد مهاجم شلیک شده حوثی ها به سوی یک ناوبر آمریکایی در دریای سرخ را خنثی کرده اند و سه موشک دیگر شلیک نشده و سه شناور سطحی آنها را نیز منهدم کرده است. قابل ذکر است که از آبان ماه گذشته تا کنون حوثی ها بارها کشتی های تجاری را در منطقه دریای سرخ و خلیج عدن مورد حمله قرار داده اند. تحریمات نظامی حوثی ها در حالی صورت می گیرد که یمن یکی از فقیرترین کشورهای دنیا است. اوضاع اقتصادی یمن بطور کلی و به ویژه در منطقه تحت کنترل حوثی ها به شدت بحرانی است و مردم آن سالهاست در فقر و گرسنگی و کشتار و ناامنی به سر می بردند، گروه ارتجاعی اسلامی حوثی طی ده سال گذشته با ترغیب و کمک نظامی و تسلیحاتی هدفمند رژیم جمهوری اسلامی، مردم فقر زده یمن در شمال این کشور را از جنگی به جنگ دیگر وارد کرده اند. آنها در سال ۲۰۱۴ با براه انداختن جنگ داخلی و شکست دادن دولت فاسد "عبد ربو منصور هادی" که تحت حمایت عربستان سعودی بود، صنعا پایتخت یمن را به کنترل خود درآوردند و پس از آن طی یک جنگ ارتجاعی هشت ساله با عربستان، بحران اقتصادی و فقر و فلاکت و کشتار بیشتری به مردم محروم و ستمدیده یمن تحمیل کردند. این جنگ ویرانگر موجب کشتار دهها هزار نفر و ویرانی بقیه زیرساختهای ضعیف اقتصاد یمن گردید. این جنگ ضد انسانی و جنایتکارانه نیابتی، اوایل سال جاری با آغاز مذاکرات عادی سازی روابط میان جمهوری اسلامی و عربستان با